

سورة الاحقاف

عنوان: فصلنامه علمی نسیم کوثر

مدیر مسئول و سردبیر: سید محمد حسینی دره صوفی

ویراستار: سیده نیلوفر حسینی

گرافیسیت: سید محمود محسنی

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۶۰,۰۰۰ تومان

صاحب امتیاز: بنیاد فرهنگی خدماتی امام حسن عسکری (ع)

شماره تماس: ۰۰۹۸۹۳۵۳۹۶۹۷۷۶

سایت فصلنامه: nasimekosar.blog.ir

ایمیل: nasimkosar1399@gmail.com

دفتر مرکزی و محل چاپ: قم

راهنمایی نویسندگان و شیوه نامه نگارش فصلنامه علمی نسیم کوثر

۱. مقاله قبلا در نشریه دیگری به چاپ نرسیده یا همزمان برای سایر مجلات ارسال نشده باشد.
۲. مقاله دارای عنوان، چکیده به زبان فارسی، واژگان کلیدی، مقدمه، متن اصلی، نتیجه گیری، منابع و مآخذ باشد.
۳. مقاله در برنامه word و باقلم IR lotus و اندازه ۱۴ نازک بوده و عنوان مقاله با قلم B Titr و اندازه ۱۴ تایپ شود.
۴. حجم هر مقاله حداقل ۱۲ و حداکثر ۲۲ صفحه باشد.
۵. کلمات کلیدی بین ۴-۷ کلمه و بصورت فارسی باشد.
۶. چکیده فارسی، از ۱۵۰ تا ۲۰۰ کلمه باشد.
۷. معادل انگلیسی اصطلاحات و مفاهیم علمی رایج، پانویست شود.
۸. ارجاع به منابع درون متنی باشد. داخل پرانتز، نام خانوادگی، سال انتشار و شماره صفحات ذکر شود. مثال (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۶، ۱۰۰).
۹. فهرست منابع و مآخذ، به ترتیب الفبای نام خانوادگی نویسندگان، باشد (الف) کتابها: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، سال انتشار، عنوان کتاب، (بصورت توپر)، نام خانوادگی مترجم یا مصحح، نام مترجم یا مصحح، شماره جلد، محل انتشار و ناشر. مثال: هارت، هربت، ۱۳۹۰، مفهوم قانون، راسخ، محمد، تهران، نشر نی.
- ب) مقالات: نام خانوادگی، نام، سال انتشار، عنوان مقاله، (بصورت توپر)، نام مجله، شماره مجله و شماره صفحات اول و آخر مقاله. مثال: رضایی، محسن، ۱۳۸۵، روش تجربی، فرهنگ مدیریتی، سال چهارم، شماره دوازدهم، ۱۷۲-۱۸۹.
۱۰. در زیر عنوان مقاله اسم نویسنده یا نویسندگان و در قسمت پاورقی ایمیل و سمت پژوهشگر و همچنین مشخص نمودن نویسنده مسئول. (به عنوان مثال حسینی، سید محمد، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی العالمیه، قم).
۱۱. مقالات بیانگر آرا و نظرات نویسندگان است و فصلنامه نسیم کوثر مسئولیتی در قبال محتوا و نویسنده آن ندارد.

اعضای هیأت تحریریه:

۱. سید محمد حسینی دره صوفی، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی،
نخبه و پژوهشگر برتر در دانشگاه بین المللی المصطفی. قم
۲. دکتر سید رضی قادری، دکتری فلسفه اخلاق از دانشگاه باقر العلوم،
سطح چهار فقه و اصول حوزه، استاد سطوح عالی حوزه. قم
۳. محمدعلی علیدادی، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه
المصطفی العالمیه. قم
۴. سید مهدی نقوی، ارشد رشته ادیان ابراهیمی، قم جامعه المصطفی

فهرست مطالب

۷	ارتباط امهال شیطان و تعالی انسان از منظر فریقین
۳۵	بایدها و نبایدهای مهارت ارتباط کلامی؛ گفتن و شنیدن در صحیفه سجادیه
۵۷	قصاص پس از قصاص از منظر فقه و حقوق اسلامی
۸۷	تبیین دیدگاه آیت الله سبحانی «حفظه الله» و مرحوم مظفر در مورد وضع الفاظ عبادات
۹۷	«کرامت انسانی» در سیاست جنایی اسلام و قوانین جمهوری اسلامی ایران
۱۲۵	نقش تعدد جرم در جرایم حدی از منظر فقه و حقوق
۱۴۱	مقایسه رشوه با عناوین مشابه، مطالعه موردی جُعل قاضی
۱۵۷	مرتکب کبیره از دیدگاه مذاهب کلامی شیعه



سال چهارم، تابستان ۱۴۰۳، شماره ۱۴

بایدها و نبایدهای مهارت ارتباط کلامی؛ گفتن و شنیدن در صحیفه سجادیه

محمد انور اصغری^۱

چکیده: سخن گفتن و شنیدن آن، دو مهارت ارتباطی همگانی بسیار مهم است، ولیکن استفاده صحیح از آن‌ها در گرو رعایت ویژگی‌های لازم در هر کدام است که از آن‌ها به آداب و یا بایدها و نبایدهای گفتن و شنیدن تعبیر می‌گردد. هدف این پژوهش بررسی بایدها و نبایدهای مهارت گفتن و شنیدن، در صحیفه سجادیه است که شناخت از آن‌ها موجب حسنیت و ارتقاء ارتباط کلامی خواهد شد. پژوهش حاضر که براساس هدف کاربردی و بلحاظ ماهیت کیفی و اسنادی است با روش توصیفی انجام گرفته است. یافته‌های نشان از این دارد که در صحیفه سجادیه از ویژگی‌های بایسته و نابایسته زیادی مربوط به مهارت سخن گفتن و شنیدن با استفاده از واژه‌های متعدد و زیبا سخن به میان آمده است؛ در صحیفه سجادیه به راهکارهای تقویت مهارت‌های مورد بحث نیز اشاره دارد؛ بنا براین، این انجیل اهل البیت علیهم السلام منبع غنی برای ارتقاء مهارت کلامی در کاربرد و عمل می‌باشد.

کلیده واژه‌ها: مهارت، گفتن، شنیدن، ارتباط کلامی، صحیفه سجادیه

۱. دانشجوی دکتری قرآن و علوم با گرایش روانشناسی، جامعه المصطفی العالمیه، مشهد، ایران.

۱. مقدمه

سخن گفتن و سخن شنیدن دو خط ارتباطی بسیار ارزشمند، میان انسان‌ها است. در مورد ارزش این دو نعمت، همین بس که در قرآن مجید، پس از آفرینش، اعطای این دو نعمت از مهمترین نعمت‌ها بیان شده است. در مورد مهارت سخن گفتن می‌فرماید { وَ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ } (الرحمن/۴) خداوند به انسان بیان آموخت. در باره مهارت شنیدن در آیات زیادی از جمله در آیه مبارکه { قُلْ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ وَ جَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَ الْبَصَارَ وَ الْأَفْئِدَةَ... } (ملک/۲۳) اعطای شنوایی، دیدگان و دلها نیز پس از نعمت آفرینش انسان مطرح گردیده و لکن نعمت شنوایی بر نعمت بینایی و دل مقدم قرار داده شده است. سر تقدم قوه شنوایی در آیات قرآن کریم را برخی گفته‌اند این است که این قوه پیش از قوه بینایی و قوه تعقل در انسان فعال می‌گردد. بنابراین دو مهارت، دو نعمت بسیار بزرگ و ارزشمند است.

هرچند ارتباطات انسانی انواع گوناگونی دارد که به صورت کلی به ارتباط کلامی و غیرکلامی تقسیم می‌شود و در ارتباط کلامی، احساس، امیال و مقاصد افراد از طریق کلام و در ارتباط غیر کلامی از طریق علایم غیر کلامی مانند؛ حالت چهره، تماس چشمی، تماس بدنی، زبان بدن و... ادراک می‌شود. (آذربایجانی، ۱۳۸۲/۳۹) و لکن از میان این دو نوع ارتباط، ارتباط کلامی، به دلیل اهمیت زبان و صراحت در بیان مقاصد، مهمترین نوع ارتباط در ارتباطات انسانی به حساب می‌آید.

ارتباط کلامی نیز خود دارای چهار نوع مهارت می‌باشد و از میان مهارت‌های چهارگانه ارتباط کلامی، مهارت گفتن و شنیدن، وسیله ارتباطی همگانی است؛ زیرا این دو نعمت، تقریباً در اختیار عموم مردم قرار دارد، در حالی که همه مردم از مهارت نوشتن و خواندن بهره مند نمی‌باشند. از سوی دیگر، ایجاد رابطه سالم و سودمند در استفاده از تمام مهارت‌ها به ویژه در مهارت گفتن و شنیدن، منوط به استفاده صحیح از آن‌ها می‌باشد. استفاده صحیح از مهارت گفتن و شنیدن در گرو رعایت ویژگی‌های لازم در هرکدام است که از آن‌ها به آداب و یا بایدها و نبایدهای گفتن و شنیدن تعبیر می‌گردد. پیرامون این موضوع تحقیقات زیادی خصوصاً در منابع

اسلامی به صورت عام یا در منبع خاصی مانند؛ قرآن کریم انجام داده شده است. یکی از منابع مهم معارف اسلامی که ملقب به اُخت القرآن است، صحیفه سجادیه میراث ماندگار از امام سجاد (علیه السلام) است. از این رو پژوهش حاضر می‌خواهد تفحص نماید که در این میراث مکتوب شیعه و سخنان دُزربار امام سجاد (علیه السلام) چه قدر و چگونه به این موضوع پرداخته شده است؟ چه بایدها و نبایدهای برای دومهارت مورد نظرگوش زد شده است؟

تحقیق حاضر موضوع مورد نظر را با ذکر مقدمه، تبیین شناسه قلمرو و تحقیق، پیشینه تحقیق، مفهوم شناسی واژه‌های اساسی آن، تحقیق را در چهار مقوله بایدهای سخن، نبایدهای سخن، بایدهای شنیدن و نبایدهای شنیدن، با روش توصیفی با هدف پاسخ به سوال های فوق، که شناخت از آن‌ها موجب حسنیت و ارتقاء ارتباط کلامی خواهد شد. بررسی می‌نماید. البته جهت تبیین بیشتر، از منابع دیگر نیز استفاده می‌گردد.

۱-۱. قلمرو تحقیق

صحیفه سجادیه مجموعه‌ای از پنجاه و چهار دعا از امام سجاد (علیه السلام) می‌باشد. این کتاب پس از قرآن و نهج البلاغه مهم ترین میراث مکتوب شیعه به حساب می‌آید و به نام های اُخت القرآن، انجیل اهل بیت، زبور آل محمد و صحیفه کامله یاد می‌شود. صحیفه سجادیه از نظر سند، در حد تواتر است. آقا بزرگ تهرانی در این باره می‌گوید: صحیفه اولی که سند آن به اما زین العابدین (علیه السلام) می‌رسد از متواترات نزدی اصحاب است؛ چرا که از ویژگی آن این است که تمام اصحاب از اساتید خود اجازه نقل آن را در تمام طبقات رجالی و تمام عصرها گرفته‌اند. (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۱: ۱۸/۱۵)

صحیفه سجادیه از لحاظ محتوا تنها شامل راز و نیاز با خدا متعال و بیان حاجت در پیشگاه وی نیست، بلکه مجموعه مشتمل بر بسیاری از معارف اسلامی است که در آن مسائل عقیدتی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، پاره از قوانین طبیعی، احکام شرعی و آموزه‌های اخلاقی و تربیتی در قالب دعا بیان شده است. در این باره امام

خمینی (رضوان الله تعالی علیه) می گوید: صحیفه سجادیه کتاب شریفی است که سبک بیان معارف الهیه اصحاب معرفت را چون قرآن کریم، بدون تکلف الفاظ، در شیوه دعا و مناجات برای تشنگان معارف الهیه بیان می کند. (امام خمینی، ۱۳۸۹: ۲۰۹/۲۱)

۲-۱. پیشینه تحقیق

خوشبختانه در مورد دو مهارت گفتن و شنیدن تحقیقات زیادی انجام گرفته است و از ابعاد مختلف بررسی شده است. برخی از این پژوهش‌ها، از نگاه آموزه‌های اسلامی به بررسی آداب گفتن و شنیدن پرداخته است. از این رو برخی از پژوهش‌ها، با پژوهش مورد نظر، نقطه اشتراک دارند، اما تفاوت‌های زیادی هم دارند. نقطه اشتراک این است که مقصود از بایسته‌ها در این موضوع ویژگی‌های است که از آن‌ها به آداب هم تعبیر می‌گردد. آداب جمع ادب است و در علوم انسانی به سه معنا؛ رفتارها و خصلت‌های شایسته، تادیب (تنبیه) و علوم ادبی به کار رفته است. (شاهرودی، ۱۳۹۲: ۱۰۹/۱) بنابراین یکی از معانی آداب، بایستگی است.

با توجه به سه معنای مورد کاربرد واژه آداب در علوم انسانی، تفاوت‌های پژوهش مورد نظر با تحقیقات که به عنوان پیشینه تحقیق آورده می‌شود، ضمن توضیح مختصری از محتوای آن‌ها روشن می‌گردد.

از جمله پژوهش‌های انجام شده در ارتباط با آداب و بایسته‌های دو مهارت گفتن و شنیدن، یک کتاب، چهار پایان نامه و مقاله ذیل به ترتیب می‌باشد.

۱- کتاب آداب سخن و سخنوری، تألیف جعفر اسلامی فر، چاپ شده در نشر مشعر، در تهران، سال ۱۳۸۸.

آداب در عنوان این کتاب به معنای بایسته است و لکن مقصود بایسته‌های تبلیغ؛ مانند اخلاص توکل و توسل وغیره است نه بایسته‌های مهارت گفتن و شنیدن.

۲- آداب و بایسته‌های سخن گفتن در آئینه وحی، امیر رسولی پور، ۱۳۹۳، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.

در این پژوهش به باید‌ها و نباید‌های سخن پرداخته شده است. اما با پژوهش مورد نظر از جهاتی زیادی از جمله از دو جهت متفاوت است؛ یکی از جهت قلمرو

تحقیق که قلمرو آن فقط قرآن است. تفاوت دیگر این است که در این پایان نامه به بایدها و نبایدهای مهارت شنیدن پرداخته نشده است.

۳- سخن و آداب آن در نهج البلاغه، سید مصطفی هاشمی، تهران دانشگاه پیام نور، ۱۳۹۲

آداب در عنوان این تحقیق، به معنای علوم ادبی است؛ زیرا در فصل چهارم این پایان نامه، آرایه‌های ادبی و فنون دانش بلاغت؛ مانند حقیقت و مجاز، تشبیه، استعاره، کنایه، بدیع، جناس، سجع و توریه در نهج البلاغه مورد بررسی قرار گرفته است. بنابراین، این تحقیق با پژوهش مورد نظر از جهت موضوع متفاوت است.

۴- آداب سخن گفتن در قرآن کریم با تکیه بر مباحث اخلاقی، علی جعفری، دانشگاه پیام نور استان فارس، ۱۳۹۵

در این پژوهش در باره اهمیت ادب در گفتار، معیارهای ارزشی گفتار، ویژگی‌های سخن خوب، جنبه‌های روانشناختی سخن، تعبیر قرآن در باره سخن نیکو، شیوه‌های سخن، آداب گفت و گو و آفات زبان در قرآن کریم با رویکرد اخلاقی، بررسی شده است. تفاوت اساسی این تحقیق با پژوهش مورد نظر در قلمرو تحقیق است.

۵- سخن و آداب آن در خانواده از منظر قرآن و روایات، عباس کریمی، دانشگاه آزاد اسلامی یزد، ۱۳۹۹. در این تحقیق آداب سخن فقط در خانواده مطرح است. بنابراین از لحاظ دامنه بحث با پژوهش مورد نظر متفاوت می‌باشد.

۶- آداب سخن در قرآن، زهرا کاشانی‌ها، ۱۳۸۹، شماره ۹. در این مقاله به بایدهای سخن فقط از منظر قرآن کریم پرداخته شده است.

با توجه به توضیح مختصر از محتوای تحقیقات فوق، برخی از این تحقیقات از جهت موضوع و برخی از جهت قلمرو و برخی از جهت اختصاص به یک مهارت و برخی حد اقل از دو جهت از جهات نامبرده با پژوهش مورد نظر متفاوت می‌باشد.

۲. مفهوم شناسی واژه‌ها

در کار تحقیق و پژوهش، مفهوم شناسی واژه‌های کلیدی و اساسی تحقیق که در لسان قدماء از آن‌ها به مبادی تصوری تعبیر می‌گردید از گام‌های اول عرصه

تحقیق است؛ زیرا بدون روشن شدن معنی واژه های کلیدی تحقیق، مراد و مقصود معلوم نیست. از این رو لازم است پیش از پرداختن به موضوع تحقیق، مفهوم چند واژه؛ مهارت، ارتباط کلامی، مهارت های ارتباط کلامی، گفتن، شنیدن، باید و نباید، روشن گردد.

۲-۳. مفهوم واژه مهارت

مهارت در لغت به معنای ماهر بودن در کار، استادی، زیرکی، چابکی و زبر دستی آمده است. (دهخدا: ۱۳۱۰)

مهارت در رشته های علوم اجتماعی عبارت است از توانای های لازم برای برقراری ارتباط با دیگران. مک گوایر و پرستیلی می گویند: مهارت های ارتباطی، توانایی برقراری ارتباط مطلوب و سالم (به صورت کلامی یا غیر کلامی) با دیگران به منظور دستیابی به حقوق، خواسته ها و نیازهاست. (آذربایجانی، ۱۳۸۲: ۲۳)

۲-۴. مفهوم واژه ارتباط کلامی

واژه ارتباط در لغت به معنای بستگی و پیوند است. چنانچه جوهری می گوید: رَبَطْتُ الشَّيْءَ أَي شَدَدْتُهُ؛ آن چیز را ربط دادم یعنی بستم (جوهری، ۱۴۰۴) ارتباط کلامی شامل مجموعه روابطی است که از طریق گفتگو و بکاربردن کلمات و واژه ها به هدف بیان و درک احساس، امیال و مقاصد، ایجاد می گردد. (آذربایجانی، ۱۳۸۲: ۳۳)

۲-۵. مهارت های ارتباط کلامی

مقصود از مهارت کلامی، توانایی لازم در انتقال پیام و خواسته های مافی الضمیر به مخاطب بوسیله سخن و توانای دریافت آن است. چنانچه در مقدمه گفته شد، برای ارتباط کلامی چهار نوع مهارت؛ گفتن، شنیدن، خواندن و نوشتن وجود دارد و انسان این مهارت های چهارگانه را به این ترتیب آغاز می کند که از یک تا پنج سالگی شنیدن، گفتن و از پنج سالگی به بعد خواندن و نوشتن را می آموزد. مهارت های چهارگانه، بحث مفصلی

را می‌طلبند که این تحقیق گنجایش آن را ندارد. مهارت گفتن و شنیدن به دلیل همگانی بودن، بررسی می‌گردد.

۳-۳-۱ مهارت سخن گفتن

سخن گفتن مهارتی است که در آن فرد با ترکیب نمادهای کلامی (کلمات) و غیر کلامی (آهنگ صدا، حرکات چشم و...) با مخاطب خود ارتباط برقرار می‌کند. وسیله این مهارت زبان انسان است. زبان، در روابط اجتماعی انسان‌ها نقش مهمی دارد.

۳-۳-۲ مهارت شنیدن

شنیدن در اینجا به معنای گوش دادن است؛ بمعنای اصلی خود نیست؛ زیرا شنیدن در اصل مرادف سمع است و برای توصیف آن بخش از فرایندهای حسی به کار می‌رود که از طریق آن، تحریک‌های شنیداری در سیستم شنوایی دریافت می‌شود و به مغز ارسال می‌گردد، ولی گوش دادن مرادف استماع و به معنای فعالیت روان‌شناختی است که درک و تفسیر تجربه‌ای حسی را شامل می‌شود. (کارشکی، ۱۳۷۹: ۲۱۶) ولی در محاورات و نگارش به جای واژه گوش دادن از واژه شنیدن استفاده می‌شود. از این رو در این پژوهش از واژه شنیدن استفاده نمودیم ولی مقصود گوش دادن است.

۲-۶. مفهوم باید و نباید

واژه‌های باید و نباید در علوم مختلف خصوصاً در آموزه‌های دینی، دوگونه کاربرد دارند. گاهی در مورد امر ونهی به کار می‌روند و با جمله انشایی همراه می‌شوند. مانند؛ جمله باید راست بگویی و نباید دروغ بگویی!

گاهی به معنای واجب، ضروری و لازم به کار می‌روند و به صورت جمله اخباری استفاده می‌شوند؛ برای مثال وقت گفته می‌شود: باید راست گفت معنایش این است که راست گفتن لازم و ضرور است. بایدها در آموزه‌های دینی در هردو کاربردش، مفاد ارزشی دارند. به این معنا که مفاد باید چه در جمله انشایی مثل باید راست بگویی و چه در جمله اخباری مانند، انسان باید راست گو باشد، یک عملی ارزشمند است که آن راست گفتن است. در پژوهش حاضر، مقصود از بایدها و نباید با هردو

کاربردش، ویژگی‌های لازم و ضرور برای مهارت سخن گفتن و شنیدن از منظر صحیفه سجادیه است. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۷۴)

۳. باید‌ها و نبایدهای مهارت گفتن و شنیدن در صحیفه سجادیه

در صحیفه سجادیه از وسیله سخن گفتن به واژه لسان تعبیرگردیده و حدود شش بار به کار رفته است. از خود سخن با واژه‌های قول، نطق، حکایت، کلام و حدیث تعبیر شده است. از میان این واژه‌ها بیشترین کاربرد را در صحیفه سجادیه واژه قول و نطق دارد؛ زیرا از واژه قول و مشتقات آن، بیشتر از بیست و چهار بار و از واژه نطق و مشتقات آن، هشت بار استفاده شده است. ویژگی‌های سخن با واژه‌های چون؛ حق (درست)؛ صدق (راست)، محکم (استوار) مرضی (صواب) طیب (پاکیزه)، لین (نرم)، خفص (آهسته)، غیر علم (ناآگاهانه) لغو (بی فائده) و... بیان شده است.

مهارت شنیدن با واژه استماع و مشتقات آن در بیش از نه مورد در صحیفه سجادیه ذکر شده است. به ویژگی‌های شنیدن با واژه نصغ، صم، قطع و یک سری قرائن سیاقی اشاره شده است.

ویژگی‌های نامبرده؛ چه ویژگی‌های سخن و چه ویژگی‌های شنیدن، دو دسته‌اند؛ برخی از باید‌ها و برخی از نبایدها است. بنابراین، ویژگی‌های گرد آوری شده، تحت چهار عنوان؛ باید‌های سخن، نبایدهای سخن، باید‌های شنیدن و نبایدهای شنیدن، توضیح داده می‌شود.

۳-۱. باید‌های سخن

از میان ویژگی‌های که برای سخن در صحیفه سجادیه ذکر شده است، نه ویژگی، از بایستگی‌های سخن می‌باشد و آن‌ها عبارت‌اند از: رسایی، درستی، راستی، بجایی، استواری، نیکوی، پاکیزگی، نرمی و گرمی. ویژگی‌های مذکور برخی از صفات الفاظ سخن، برخی از صفات الفاظ و محتوا، برخی مربوط به محتوا، برخی مربوط به موقعیت و برخی مربوط به لحن سخن است.

۳-۱-۱. رسا بودن سخن

رسایی و صراحت سخن بایستگی لفظی است که صحیفه سجادیه به آن اشاره دارد. حضرت به رسایی کلام خداوند اشاره نموده، می‌فرماید: *وَسَهَّلَتْ جَوَاسِي أَلْسِنَتَنَا بِحُسْنِ عِبَارَتِهِ* (دعای ۴۲، فراز ۴) عقده‌های زبانمان را به زیبای عبارات آن (قرآن) گشودی.

صراحت و رسایی گفتار، به این معنی است که گوینده بایست با عباراتی روشن و شفاف و به دور از هرگونه پیچیدگی و ابهام کلامش را به مخاطب برساند. از صراحت و رسای کلام در روایات به بلاغت تعبیر شده است. امیرالمؤمنین علیه السلام در تعریف بلاغت کلام می‌فرماید: *الْبَلَاغَةُ مَا سَهَّلَ عَلَى الْمُنْطِقِ وَ خَفَّ عَلَى الْفِطْنَةِ*؛ بلاغت آن است که به گفتار، روان و به فهم، آسان باشد (تمیمی، ۱۴۱۰: ۱۰۲/۱)

رسایی گفتار نقش مهمی در ارتباط کلامی دارد؛ زیرا هدف از سخن گفتن با شنونده، رساندن خواسته متکلم است. این هدف وقتی تحقق می‌پذیرد که گوینده رسا و بدون ابهام سخن بگوید. گفتار مبهم مقصود گوینده را برای شنونده روشن نمی‌تواند. بدین سبب در آموزه‌های دینی به گفتار رسا، ارج نهاده شده است. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: *أَحْسَنُ الْكَلَامِ مَا زَانَهُ حُسْنُ النَّظَامِ وَ فَهْمُهُ الْخَاصُّ وَ الْعَامُّ*؛ بهترین گفتار آن است که به حسن ترتیب و نظم آراسته باشد و عالم و عامی آن را بفهمد. (تمیمی، ۱۴۱۰) حضرت در توصیف شخص پرهیزگار می‌فرماید: *يَقُولُ فَيَفْهَمُهُمْ*؛ سخن می‌گوید و حق را به مخاطبان، به خوبی تفهیم می‌کند (نهج البلاغه خطبه ۸۷) بنابراین رعایت این بایستگی در کلام لازم است. در آموزه‌های دینی زیاد گوش زد شده است و از جمله در صحیفه سجادیه با تعبیر زیبا به آن اشاره گردیده است.

۳-۱-۲. درست بودن سخن

یکی از بایستگی‌های سخن که در صحیفه سجادیه از آن توصیف گردیده است، درست بودن سخن است. این ویژگی از صفات محتوای سخن است. سخن درست که از آن در علم منطق به صدق خبری تعبیر می‌شود، کلامی است که مضمون و

محتوی آن مطابق با واقع می‌باشد. امام سجاد (علیه السلام) در صحیفه سجادیه در توصیف کلام خداوند چنین می‌فرماید: **وَقَوْلُكَ الْحَقُّ**؛ پرور دگارا! سخن شما درست (حق) است. (دعای ۲۹، فراز ۴) بنابراین درست بودن از بایدهای سخن است و لازم است در مهارت کلامی رعایت شود.

۳-۱-۳. راست بودن سخن

یکی دیگر از بایستگی‌های سخن که در صحیفه سجادیه از آن با اهتمام یاد شده است، راست بودن سخن است. این بایستگی هم از خصوصیات محتوای سخن می‌باشد. مقصود از راست بودن سخن که از آن در دانش اخلاق به صدق مُخْبِرِی تعبیر می‌گردد، این است که شخص مُخْبِر، به محتوی سخن خویش اعتقاد داشته باشد و صادق باشد. امام سجاد (علیه السلام) خداوند متعال را با وصف راست گویی ستوده، در توصیف کلامش می‌فرماید: **وَقَوْلُكَ... الْأَصْدَقُ**؛ کلام شما راست‌ترین سخن است. (دعای ۲۹، فراز ۴) رعایت این بایستگی در کلام، موجب اعتماد مخاطب می‌شود. طبیعی است که به گوینده صادق و راستگو، می‌توان اعتماد کرد و به دروغ گو، اعتماد نمی‌شود. از این جهت در باره اهمیت صداقت در گفتار امام باقر علیه السلام فرموده است: **تَعَلَّمُوا الصِّدْقَ قَبْلَ الْحَدِيثِ**؛ راستگویی را پیش از سخنگویی بیاموزید.

۳-۱-۴. استوار بودن سخن

بایستگی دیگر سخن از منظر صحیفه سجادیه استوار بودن آن است که امام سجاد (علیه السلام) در توصیف دیگری برای کلام خداوند متعال می‌فرماید: **سُبْحَانَكَ قَوْلُكَ حُكْمٌ**؛ منزه و پاکی، گفتارت استوار است. (دعای ۴۷، فراز ۲۹) واژه حُكْم در سخن حضرت به معنای مُحْكَم است و مُحْكَم به معنای استوار و پایدار می‌باشد. از سخن استوار در قرآن کریم به قول سدید تعبیر شده است. در تفسیر نمونه، در توضیح قول سدید در آیه مبارکه { **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا** } (احزاب/۷۰) آورده‌اند: قول سدید از ماده سد به معنی محکم و استوار و خلل ناپذیر و موافق حق و واقع است، سخنی است که همچون يك سد محکم جلو امواج فساد و

باطل را می‌گیرد (مکارم، ۱۳۵۳: ۴۴۷/۱۷) در تفاسیر قول سدید به سخن حق، صواب، عدل، انصاف، صلاح، رشاد و خالص از لغو و دروغ نیز معنا شده است (مکارم، ۱۳۵۳: ۴۴۷/۱۷) بنابراین بایسته است که سخن همانند سد دارای اساس و مبنی باشد. بی‌اساس، بی‌دلیل، دور از عدل و انصاف، پوچ و دروغ نباشد.

۳-۱-۵. بجا بودن سخن

بجا بودن سخن از دیگر بایسته‌های سخن از منظر صحیفه سجادیه است. سخن بجا به سخنی گفته می‌شود که علاوه بر راست، درست و محکم بودن محتوی آن، در موقعیت مناسب القاء شود. چنانچه معروف هم است که هر سخن از خود جای دارد. موقعیت مناسب؛ شخص، زمان، مکان و حالت روحی شنونده می‌تواند باشد. بنابراین سخن با هر کدام از موقعیت‌های مزبور، متناسب باشد و گرنه سخن بجا نخواهد بود. برای مثال گاهی سخنی درست و راست است ولی راز شخصی است اگر به شخص دیگری گفته شود، سخن نادرست و دروغی گفته نشده است اما بجا نیست؛ زیرا گفتن آن به شخص شنونده مناسب نبود، چون امانت بود. همچنین اگر سخن راست و درستی در زمان نامناسب یا مکان نامناسب و یا در حالت روحی نامناسب به کسی گفته شود، بی‌جا خواهد بود. از بجا بودن سخن در نهج البلاغه به صواب تعبیر شده است. امیرالمؤمنین (علیه السلام) در وصفی اهل تقوی می‌فرماید: *منطقهم الصواب (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۴)* اهل تقوی، به موقع سخن می‌گویند. در صحیفه سجادیه به مرضی القول تعبیر گردیده است. امام سجاد (علیه السلام) برای رعایت این بایستگی در ارائه سخن از خداوند متعال مدد می‌طلبد: *وَ أَعْنِي عَلَي مَرَضِي الْقَوْلِ (دعای ۴۷، فراز ۱۱۳)* مرا در ارائه کلام صواب کمک بنما!

۳-۱-۶. پاکیزه بودن سخن

یکی دیگر از بایستگی‌های سخن، طیب بودن گفتار است. طیب به معنای پاکیزه، دلپذیر و خوشایند است. راغب در مفردات می‌گوید: *طیب آن است که حواس و نفس از آن لذت می‌برد.* (راغب، ۱۳۸۷: ۳۰۸) بنابراین سخن طیب سخنی است که با نفس گوینده و شنونده سازگار است به طور که باشنیدن آن انبساط و لذتی در انسان

ایجاد شود. در صحیفه سجادیه پاکیزه‌گویی نسبت به پدر و مادر به عنوان یک حاجت مهم از خداوند مطالبه شده است. **اللَّهُمَّ... وَ أَطْبُ لَهُمَا كَلَامِي**؛ پرورگار! سخنم را برای پدر و مادر طیب و خوشایند قرار بده (دعای ۲۴، فراز ۶) پاکیزگی سخن به پاکیزگی محتوای آن است و پاکیزگی محتوا به خاطر مفاهیمی است که برواقعیت‌های عینی پاک و درخشان تطبیق می‌کند. از این رو کلمه طیب در آیه ۲۴ سوره حج **{ وَ هُدُوا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ }** و به سوی سخنان پاکیزه هدایت می‌شوند، را از اسامی و صفات قرآن بر شمرده‌اند؛ چون مفاهیم آیات قرآن کریم با واقعیت‌های والای مانند، وجود خداوند متعال، آئین حق و عدالت، نیکان و پاکان مطابقت دارد و از هر عیبی پاک و منزّه است لذا هرکس آن را بشنود یا بخواند لذت می‌برد.

۳-۱-۷. رعایت نرمی صدادر سخن

یکی از بایستگی‌های که در صحیفه سجادیه به آن توجه شده است، رعایت نرمی صدا در گفتار است؛ به این معنا که گوینده می‌بایست با لحن آرام و صدای و ملایم، صحبت نماید و با صدای خشن و لحن تند صحبت ننماید. این بایستگی در قرآن کریم با تعبیر **{ قَوْلًا لَيِّنًا }** بیان شده است. اهل لغت و مفسرین، کلمه لَیِّن را، نرم و آرام معنی کرده‌اند. جوهری می‌گوید: **اللین ضد الخشونه** (جوهری، ۱۴۰۴) قرطبی از مفسرین در تفسیر خویش می‌نویسد: قول لَیِّن سخنی است که در آن خشونت نباشد. (قرطبی، ۱۳۸۴: ۲۰۰/۱۱) در صحیفه سجادیه این بایستگی با تعبیر **أَلِنْ لَهُمَا عَرِيكَتِي** در مورد رفتار با پدر و مادر بیان شده است. عریکه به معنای شخصیت و طبیعت است. **لَيْنُ الْعَرِيكَةِ** به کسی می‌گویند که شخصیتش فوق العاده نرم و لطیف است. در بیان امام سجاد (علیه السلام) رعایت ملائمت رفتار به صورت عام است و یکی از مصادقش رعایت ملائمت در سخن است.

رعایت این بایستگی در سخن، باعث کنار آمدن و تفاهم مخاطب با گوینده می‌شود. برعکس سخن گفتن با خشونت، خشم شنونده را برانگیخته باعث دوری و فاصله می‌گردد. خداوند متعال به حضرت موسی (ع) و برادرش هارون دستور می‌دهد که به سوی فرعون بروند و او را به بیان و سخنی نرم و به دور از تندوی و خشونت به

سوی حق دعوت کنند. { اذْهَبَا إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى * فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يُخْشَى } (طه، ۴۳، ۴۴)

عامل کارساز در دعوت فرعون به سوی خدا مطابق آیه فوق، به نرمی سخن گفتن بیان شده است. به همین دلیل است که آن فرمانروای خود محور که خود را پروردگار مردم می دانست و هیچ سخن مخالفی را بر نمی تافت در مقابل سخنان نرم حضرت موسی (ع) عکس العمل مناسبی نشان داد و نه تنها ارتباط کلامی را با دستور خشن خود قطع نکرد، بلکه به ادامه ارتباط نیز متمایل گشت و به سؤال درباره خدای موسی (ع) روی آورد { قال فمن ربكما یا موسی } (طه، ۵۰). پرسید: موسی! پروردگار شما دو نفر کیست؟

۳-۱-۸. رعایت گرمی صدا در سخن

بایستگی دیگر از منظر صحیفه سجادیه رعایت گرمی صدا در گفتار است. مقصود این است که گوینده با صدای آهسته و توأم با مهربانی سخن بگوید. با داد و بیداد و با ناراحتی صحبت نکند. از این بایستگی در صحیفه سجادیه و همچنین در روایات سائر اهل بیت (علیهم السلام) به خفض صوت تعبیر شده است. خفض، ضد رفیع است. امام سجاد (علیه السلام) در مور سخن گفتن با والدین از خداوند مسألت می نماید: **اللَّهُمَّ خَفِّضْ لَهْمَا صَوْتِي**؛ خداوندا آهنگ صدایم را در پیشگاه والدینم، آهسته و محبت آمیز گردان! (دعای ۲۴، فراز ۶) رعایت این بایستگی در سخن فوق العاده، مطلوب است. رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) می فرماید: **إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الصَّوْتِ الْخَفِيفِصَ وَيُبْغِضُ الصَّوْتِ الرَّفِيعَ**؛ خداوند صدای آرام و توأم با محبت را دوست دارد و داد زدن را دوست ندارد.

۳-۲. نبایدهای سخن

در صحیفه سجادیه در برخی از فرازهای دعای امام سجاد (علیه السلام) به صورت کلی و در برخی دیگر با بیان مصادقی از سخنانهای ناپسند، ناروا و نا مطلوب سخن به میان آمده است و از خداوند جهت دوری از آنها استمداد و از ارتکاب آنها طلب پوزش شده است.

۳-۲-۱. سخن از روی ناآگاهی

یکی از نبایدهای سخن، سخن از روی آگاهی است. سخن گفتن از روی ناآگاهی در هر موضوعی، خصوصاً در موضوعات علمی ناپسند است. در صحیفه سجاده از سخن ناآگاهانه در موضوع علمی سخن به میان آمده است. امام سجاد (علیه السلام) از این نبایستگی به خداوند متعال پناه برده، می فرماید: اللَّهُمَّ إِنِّي نَعُوذُ بِكَ مِنْ... او تَقُولَ فِي الْعِلْمِ بِغَيْرِ عِلْمٍ (دعای ۸ فراز ۴) بار خدایا، به تو پناه می بریم از اینکه در موضوع علمی سخن غیر علمی بگوئیم. امیرالمومنین (علیه السلام) نیز از گفتن سخن ناآگاهانه نهی فرموده است: لَا تَقُلْ مَا لَا تَعْلَمُ (نهج البلاغه حکمت ۳۸۲) بنابراین انسان از روی ناآگاهی نباید سخن بگوید.

۳-۲-۲. سخن‌های زشت و نامطلوب

در صحیفه سجاده در یک فراز از سخنان خلاف اراده خداوند، توبه مسألت شده است: اللَّهُمَّ وَ إِنِّي أَتُوبُ إِلَيْكَ مِنْ كُلِّ مَا خَالَفَ إِرَادَتَكَ... حِكَايَاتِ لِسَانِي؛ خداوند! به درگاه تو توبه می کنم از هر سخن که خلاف اراده‌ی شما بر زبانم جاری شده باشد. (دعای ۳۱) در فراز دیگر از کفرگویی که القاء آن به شیطان نسبت داده شده است از خداوند پوزش خواسته شده است: وَ تَلَقَّانِي بِكَلِمَةٍ كُفْرَةٍ (دعای ۳۲، فراز ۱۳) شیطان کفرگویی را بر من القاء نمود.

و در فراز سومی چند نوع سخن نامبرده شده، از آنها از خداوند در خواست تبدیل به حمد و سپاس الهی شده است: اللَّهُمَّ اجْعَلْ... وَ مَا أَجْرِي عَلَى لِسَانِي مِنْ لَفْظَةٍ فُحْشٍ أَوْ هُجْرٍ أَوْ شَتْمٍ عَرَضٍ أَوْ شَهَادَةٍ بَاطِلٍ أَوْ اغْتِيَابٍ مُؤْمِنٍ غَائِبٍ أَوْ سَبِّ حَاضِرٍ وَ مَا أَشْبَهَ ذَلِكَ نَطْقًا بِالْحَمْدِ لَكَ؛ ای خداوند هر ناسزا و لغو و دشنام در آبرو، یا شهادت باطل، یا غیبت مؤمن غایب یا ناسزا به حاضر و از اینگونه که اهریمن بر زبان من می افکند تو آن را به حمد و سپاس خود بدل فرمای. (دعای ۲۰، فراز ۱۳) بنابراین، کفرگویی، حرف زشت، سخن لغو (بی فائده) شماتت (خوشحالی در مصائب کسی) شهادت دروغ، غیبت مؤمن و دشنام مؤمن، از مصادق سخن نامطلوب است و هیچ کدام نباید بر زبان آورده است.

۳-۳. بایدهای مهارت شنیدن

در صحیفه سجادیه، در مواردی شنونده مدح شده است و این مدح به خاطر وجود ویژگی در شنیدن سامع است. با تفحص نگارنده آن ویژگی‌ها عبارت؛ از خوب شنیدن، گیرا شنیدن و سخن خوب شنیدن می‌باشد.

۳-۳-۱. خوب شنیدن

خوب شنیدن به معنای، توجه شایسته به سخن گوینده است. امام سجاد(علیه السلام) در راز و نیازی، خداوند را با ویژگی خوب شنیدن، ستایش نموده، می‌فرماید: ولصوتی سامعا؛ صدایم را می‌شنوی (دعای ۱۳، فراز ۲۱). معلوم است که شنیدن، لازمه توجه داشتن است.

توجه شایسته هم نوعی ادب و هم شرط فهم مراد و مقصود گوینده است. امام سجاد (علیه السلام) توجه نمودن به سخنان گوینده را یکی از حقوق وی دانسته، در مورد صحبت ناصح می‌فرماید: وَ أَمَا حَقُّ النَّاصِحِ فَإِنَّ تَلِينَ لَهُ جَنَاحَكَ ثُمَّ تَشْرِبُ لَهُ قَلْبَكَ وَ تَفْتَحُ لَهُ سَمْعَكَ حَتَّى تَفْهَمَ عَنْهُ نَصِيحَتَهُ؛ حق نصیحت کننده این است که نسبت به او فروتنی کنی، دل را برای فهم نصیحتش آماده نمای و به سخنانش گوش دهی یعنی توجه نمای!

از نگاه آموزه‌های دینی توجه داشتن، تنها موجب فهم مقصود گوینده می‌شود بلکه میزان سرعت فهم مقصود گوینده، مرتبط به میزان توجه مخاطب می‌باشد. هر چه توجه بیشتر باشد و خوب گوش داده شود، مقصودگوینده زودتر فهمیده می‌شود. أميرالمومنین علی مرتضی(علیه السلام) در مورد رابطه مذکور می‌فرماید: مَنْ أَحْسَنَ الْإِسْتِمَاعَ تَعَجَّلَ الْإِتِّفَاعَ؛ هر که خوب گوش کند، زود بهره مند شود. (تمیمی، ۱۴۱۰)

بنابراین خوب گوش دادن بایستگی است که با رعایت آن، هم گوینده احترام می‌شود و هم به میزان توجه، مراد و مقصودش درک می‌شود و هر چه میزان توجه بیشتر باشد، مقصود سریع تر فهمیده می‌شود.

۳-۳-۲. گیرا شنیدن

بایستگی دیگر در مهارت گوش دادن، گیرا شنیدن است. گیرایی در شنیدن بالاتر

از درک و فهم مقصود است. زیرا از نگاه آموزه‌های دینی گیرای در شنیدن به معنای حرف شنوای می‌باشد. به تعبیر دیگر گیرای در شنیدن عبارت از پذیرش سخن حق و حکیمانه است. حرف شنوایی، صفت بسیار پسندیده است. امام سجاد(علیه السلام) یاران پیامبر(صلی الله علیه و آله) را با وصف حرف شنوایی از دعوت حضرت یاد می‌نماید: **وَأَسْتَجَابُوا لَهُ حَيْثُ أَسْمَعَهُمْ حُجَّتَهُ** (دعای ۴، فراز ۳) وقت حضرت دلیل رسالتش را به گوش آن‌ها رسانید دعوتش را(به جان و دل) پذیرفتند.

همچنین حضرت برای توفیق حرف شنوایی امت از امام معصوم(علیه السلام) و توفیق شنوایی سخن حق برای فرزندان دعا مینماید: **وَأَجْعَلْنَا لَهُ سَامِعِينَ** (دعای ۴۷ فراز ۶۳) بندگان را شنوندگان ولی خدا قرار بده! **وَأَجْعَلَهُمْ سَامِعِينَ** (دعای ۲۵، ۳) فرزندان ما را شنوای سخن قرار بده! **أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ مَرْتَضَى** (علیه السلام) برای شنونده دارای این صفت، چنین دعا می‌فرماید: **رَحِمَ اللَّهُ أَمْرًا (عَبْدًا) سَمِعَ حُكْمًا فَوَعَى؛** خدای رحمت کند مردی (بنده ای) را که سخن حکیمانه ای شنید و آن را پذیرفت. (نهج البلاغه، خطبه ۷۶)

۳-۳-۳. خوبی شنیدن

مقصود از خوبی شنیدن، شنیدن سخن خوب است. امام سجاد(علیه السلام) در باره این بایستگی می‌فرماید: **لِكُلِّ شَيْءٍ فَائِدَةٌ وَفَائِدَةُ السَّمْعِ الْكَلَامِ الْحَسَنِ؛** هر چیزی میوه‌ی دارد و میوه گوش، شنیدن گفتار نیکو است. (مجلسی، ۱۴۰۳/ج ۷۸ ص ۱۶۰) امیر المؤمنین علی مرتضی(علیه السلام) به عادت نمودن به خوب شنیده توصیه فرموده است: **عَوِّدْ أذُنَكَ حُسْنَ الْإِسْتِمَاعِ؛** گوش خود را به شنیدن سخن خوب عادت بده! (تمیمی، ۱۴۱۰)

۳-۴. نبایدهای مهارت شنیدن

نبایستگی‌های که برای مهارت شنیدن، در صحیفه سجادیه به آن اشاره شده است، قطع سخن، گوش نشستن و شنیدن سخن لغو است.

۳-۴-۱. قطع کلام دیگران

قطع سخن، پیامدهای ناگواری دارد. امام سجاد(علیه السلام) در صحیفه سجادیه از قطع و گسیسته شدن سخن به خداوند متعال شکایت می نماید: رَبِّ أَفْحَمْتَنِي ذُنُوبِي وَ أَنْقَعْتَ مَقَالَتِي؛ پرور دگارا گناه گفت و گویم با تو را قطع کرده است. (دعای ۵۳ فراز ۱) هر چند در فراز دعای حضرت شکایت از قطع ارتباط سخن از ناحیه گوینده است که معلول گناه وی است و لکن احساس ناخوشایندی که یکی از پیامدهای آن است در قطع سخن دیگران نیز ایجاد می شود. از این جهت می توان گفت که در صحیفه سجادیه از قطع سخن به عنوان یک ناپیستگی در شنیدن سخن گفته شده است و انسان نباید سخن گوینده را بدون دلیل موجه قطع نماید. یداً

بریدن سخن گوینده بخاطر داشتن پیامدهای تلخی؛ چون ایجاد احساس ناخوشایند در وی، تخریب وجهه اش و تبدیل نمودن گفتارش به سردرگمی و تلقی بی احترامی، امر بسیار مذموم و ناپسند است. در مذمت این عمل، رسول مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) می فرماید: مَنْ عَرَّضَ لِأَخِيهِ الْمُسْلِمِ الْمُتَكَلِّمِ فِي حَدِيثِهِ فَكَأَنَّمَا خَدَشَ وَجْهَهُ؛ هرکس میان صحبت برادر مسلمان خود، حرف او را قطع نماید، مانند این است که صورت او را مجروح ساخته است. (وسائل الشیعه ج ۸، ص ۴۷۲) در سیره اخلاقی خود رسول مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) آمده است که: لَا يَقْطَعُ عَلَى أَحَدٍ كَلَامَهُ حَتَّى يَجُوزَ فَيَقْطَعَهُ بِنَهْيٍ أَوْ قِيَامٍ؛ هرگز سخن کسی را قطع نمی کرد و گوش می دادند، مگر آنکه که سخن او ناروا و ناحق بود در آن صورت یا از سخن گفتن نهی می کرد یا بر می خواست و جلسه را ترک می نمود و گوش نمی دادند. (طباطبای، ۱۳۸۱: ۲۱)

۳-۴-۲. بی اجازه گوش دادن

گاهی ضرورت ایجاد می کند انسان در جای صحبت کند ولی بخاطر مصالحی باید مکتوم بماند و کسی دیگری از آن مطلع نشود. مکتوم ماندن سخن، نیازمندی یک سری عوامل است. یکی از مهم ترین عامل که در صحیفه سجادیه به آن تمسک شده است، استمداد از خداوند متعال می باشد. امام سجاد(علیه السلام) برای مکتوم

ماندن سخنان خویش از بدخواه از خداوند متعال یاری می طلبد: **وَاجْعَلْ بَيْنَ يَدَيْهِ سَدًّا... وَتُصِمَّ عَنْ ذِكْرِ سَمِعَهُ** (دعای ۲۳ فراز ۸) خداوندا! در پیش روی او مانعی ایجاد نما که گوشش هرگز سخنم را نشنود!

لازمه این مطلب، رعایت اذن و اجازه در شنیدن است. اگر دو نفر یا جمعی باهم صحبت می کنند، در صورت لزوم باید اجازه گرفت. اگر احیانا مایل نیستند دیگری سخنان آن‌ها را بشنود، نباید به صورت فضولی گوش داد. یا باید از محل سخن آنان بیرون رفت، یا خود را به کاری دیگر مشغول ساخت که سخن‌شان به گوش نرسد. رسول مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) فرموده است: **مَنْ اسْتَمَعَ إِلَى حَدِيثِ قَوْمٍ وَهُمْ لَهُ كَارِهُونَ يُصَبُّ فِي أُذُنِهِ أَلَّا تُكُنَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛** کسی که به سخن گروهی گوش دهد، در حالی که آنان، آن را خوش نداشته باشد، روز قیامت در گوشه‌هایش سرب گذاخته ریخته می شود. (حویزی، ۱۴۱۵: ۵، ۹۳)

بنابراین گوش نشستن و استراق سمع، کاری ناپسندی است که مفساد و پیامدهای تلخ را به دنبال دارد و باید از آن دوری نمود.

۳-۴-۳. گوش دادن به سخن بیهوده

یکی از نبایدهای مهارت شنیدن، گوش دادن به سخن بیهوده و بی فائده است. برای دوری از این نایستگی امام سجاد (علیه السلام) از خداوند متعال چنین مدد می جوید: **لَا تُصْغِي بِأَسْمَاعِنَا إِلَى لُغْوٍ؛** خداوندا! کمک بنما! تا به هیچ سخن بیهوده گوش نسپاریم (دعای ۴۴، ۶)

امیر المؤمنین علی مرتضی (علیه السلام) به پرهیز از این ناپایستگی توصیه نموده است: **وَلَا تُصْغِ إِلَى مَا لَا يَزِيدُ فِي صَلَاحِكَ اسْتِمَاعُهُ؛** به سخن که شنیدن آن بر اصلاح و پاکی تو چیزی نمی افزاید گوش فرامده! (تیمی، ۱۴۱۰) بنابراین انسان از شنیدن سخن لغو و بی فائده جدا پرهیز نماید. بنابراین به سخن نباید گوش داد.

۴. نتیجه

با بررسی بایدها و نبایدهای مهات سخن گفتن و شنیدن در صحیفه سجاده این نتایج به دست آمد که:

۱- داشتن نگاه جامع

در صحیفه سجادیه نگاه جامع به بایدها و نبایدهای مهارت سخن و شنیدن مبذول داشته شده است. چنانچه یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، هشت ویژگی از بایدهای سخن و حد اقل هشت مصداق از نبایدهای سخن همچنین شش ویژگی از بایدها و نبایدهای شنیدن در صحیفه سجادیه مطرح شده است.

۲- پرداختن به اهمیت بایدها و قباحت نبایدها

در صحیفه سجادیه در ضمن بیان بایدها و نبایدهای مهارت سخن گفتن و شنیدن به تبیین اهمیت این بایدها و قباحت این نبایدها نیز توجه شده است؛ زیرا استمداد از خداوند متعال در برخورداری و رعایت بایدها بیان‌گری اهمیت آن ویژگی‌ها و استعاضه به خداوند متعال و یا عذر خواهی از آن ذات اقدس، از نبایدها، نشانه قباحت آن ویژگی‌ها است.

۳- غنی بودن از لحاظ واژه

صحیفه سجادیه در موضوع مورد نظر از نظر واژه بسیار غنی است؛ زیرا برای بیان مهارت سخن گفتن و شنیدن و ویژگی‌های آن‌ها از الفاظ و تعابیر متعدد و زیبا استفاده شده است.

۴- پرداختن به مهم‌ترین راهکاری تقویت بایدها و ترک نبایدها

یکی از مسائل مربوط به مهارت سخن گفتن و شنیدن، راهکارهای تقویت بایدها و دوری از نبایدهای این دو مهارت است. راهکارهای که از صحیفه سجادیه استنباط می‌گردد، از جمله توجه به حسنیت بایدها و قباحت نبایدها و استمداد از خداوند در رعایت این بایدها و دوری از این نبایدها است. توجه و استمداد از خداوند از مهمترین راهکارهای تقویت بایدهای سخن گفتن و شنیدن و دوری از نبایدهای این دو مهارت است که در بیان معصوم (علیه السلام) مطرح شده است.

۵. منابع

قرآن کریم، نهج البلاغه، صحیفه سجادیه

۱. آقا بزرگ تهرانی (۱۴۰۱ق)، الذریعه الی تصانیف الشیعه، قم، اسماعیلیان.
۲. تمیمی آمدی، عبدالواحد، (۱۴۱۰ق)، غررالحکم، قم، دارالکتب الاسلامی.
۳. جوهری، اسماعیل بن محمد (۱۳۷۶ش) الصحاح، بیروت، دارالعلم.
۴. حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵ق)، نورالثقلین، قم، اسماعیلیان، چاپ چهارم.
۵. خمینی، روح الله (۱۳۸۹ش) صحیفه امام، تهران، مرکز تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ر).
۶. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷ش)، لغت نامه دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۸۷ش)، المفردات فی غریب القرآن، تهران، انتشارات صادق.
۸. شاهرودی، محمود (۱۳۹۲ش) فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع)، قم، موسسه دائره المعارف.
۹. طباطبای، محمد حسین (۱۳۸۱ش)، سنن النبی، استاد ولی حسین، تهران، پیام آزادی.
۱۰. قرطبی، محمد ابن احمد (۱۳۸۴ش)، تفسیر قرطبی، قاهره، دارالکتب المصریه.
۱۱. کارشکی حسین (۱۳۷۹ش) مهارت های اجتماعی در ارتباطات میان فردی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۲. گیتی شگری (۱۳۷۴ش)، فرهنگ دبستانی، تهران، پژوهش گاه علوم انسانی.
۱۳. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ه-ق)، بحار الانوار، تهران، موسسه الوفاء، چاپ دوم.
۱۴. مسعود آذربایجانی، محمد رضا سالاری (۱۳۸۲) روانشناسی اجتماعی، قم،

پژوهش گاه حوزه و دانشگاه.

۱۵. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۹۱ش) فلسفه اخلاق، تهران، نشر بین الملل.

۱۶. مکارم شیرازی ناصر و همکاران (۱۳۵۳ش) تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب
الاسلامیه.

